

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۰۴

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۱۴

صفحات: ۶۳-۹۴

## رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی

ابراهیم صیقلانی

دانشجوی دکترای تخصصی گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

دکتر سید محمد احمدی\*

استادیار، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی

مریم مرادی

استادیار، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران

### چکیده

جامعه جهانی در قرن ۲۱ هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبروست. مقصود از «صلح پایدار جهانی» وضعیتی است که در آن همه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها با حفظ کرامت انسانی خود از زندگی همراه با عدالت، امنیت، مدارا و همکاری به عنوان یک «حق» برخوردارند؛ و در تعیین سرنوشت خویش و در راستای حفظ این وضعیت در جهان فعالانه مشارکت می‌کنند. دموکراسی، حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی سه مقوله‌ای هستند که وجود هریک به وجود دیگری ارتباط دارد و این‌ها هر می را تشکیل می‌دهند که صلح و امنیت بین‌المللی در رأس آن قرار دارد و عدم وجود هر یک از دو عنصر دموکراسی و حقوق بشر باعث به مخاطره افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود. امروزه صلح نه تنها در بین کشورها فراتر رفته بلکه صلح قاره‌ای هم مطرح است و کشورهای مختلف با تشکیل سازمان‌هایی همکاری در جهت ایجاد امنیت و صلح در بین کشورهای همجوار نیز همکاری می‌کنند. رکن اصلی شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

**کلید واژه:** رویکرد جامع بین‌المللی، صلح و همکاری پایدار جهانی، نظریات در ارتباط با

صلح.

---

\* نویسنده مسئول، ایمیل: s.m.ahmadi@yahoo.com

### مقدمه

جامعه جهانی در شرایطی دهه اول قرن بیست و یک را پشت سر می‌گذارد که هنوز با چالش‌های جدی در زمینه دستیابی به صلح و عدالت اقتصادی و امنیت انسانی روبه‌روست. صلح در معنای جدید خود به معنای هماهنگی در فعالیت‌های انسان می‌باشد حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز و شرافتمندانه وجود دارد و جز ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است که در آن زندگی اجتماعی در توازن وجود دارد امروزه همزیستی مسالمت‌آمیز یک حق و یک تکلیف است و ترویج فرهنگ جهانی عدم خشونت، صلح و برابری اولویت دارد. صلح در نظام حقوق بین‌الملل اساساً صلح بین‌المللی است که به دلیل انعطاف در مفاهیم و اجزای صلح و ارتباط متقابل جوامع ملی با منافع جامعه بین‌المللی، ممکن است صلح محلی و ملی را نیز در برگیرد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۲۹). صلح، حالتی است که در آن، جنگ حکمفرما نباشد. صلح تا قبل از تأسیس ملل متحد در روابط بین‌المللی نیز همین مفهوم را داشت (بیک زاده، ۱۳۸۹: ۵۱۶). عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین‌المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره‌ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین‌المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست. امروزه اولویت جامعه بین‌المللی و حقوق حاکم بر آن، صلح فراگیر بین‌المللی و نه تنها منطقه‌ای بلکه جهانی است، صلحی که همه بازیگران بین‌المللی و ملت‌ها و تمدن‌های جامعه بشری را تحت پوشش قرار دهد. باید بشریت و جامعه بشری را شاخص تعیین‌کننده دامنه‌ی صلح دانست.

سران اعضای شورای امنیت در اعلامیه‌ای که در پایان نشست خود در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کردند امروز دیگر فقدان جنگ و مخاصمه مسلحانه میان دولت‌ها به مفهوم وجود صلح و امنیت بین‌المللی نیست. عدم ثبات و پایداری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نقض حقوق بشر نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی به حساب می‌آید (مقتدر، ۱۳۸۴: ۳۸). بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۰ منشور ملل متحد، تقویت صلح از طریق توسعه روابط دوستانه بین‌المللی را بیان می‌کند که منجر به کاهش علل زمینه‌های وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی خواهد بود. همان‌طور که از مفاد مواد ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۹ و همچنین ماده ۵۰ منشور بر می‌آید

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

هدف، حصول این اهداف از طریق مسالمت‌آمیز بوده است. رویکرد دولت‌ها به تهاجم، میل شدید آن‌ها به استیلا و استکبارگری از یک سو، نگاه‌های منفی ملهم از ایدئولوژی واگرا، تولید و استفاده سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدات ناشی از مسائل زیست‌محیطی، قوت یافتن دکترین برخورد تمدن‌ها، ظهور جریان‌ها و مسلک‌های خشونت‌گرای ضد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از دیگر سو؛ بر مصائب و رنج‌های بین‌المللی افزوده و دنیا در یک ترس عمومی قرار گرفته است (کابزودو، آلیشیا، ۱۳۹۱:۳۴۱). در چنین شرایطی، ذی‌صلاح‌ترین نهادها که می‌توانند این خواسته جهانی را تحقق بخشند، مراکز پژوهشی و علمی علوم انسانی، حقوق (داخلی و بین‌الملل)، روابط بین‌الملل، دین و اخلاق است تا با تقریب منابع حقوقی، اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و احصاء وجه مشترک‌های جهانی و تقویت آن و استفاده بهینه از منشور ملل متحد و توان و قابلیت‌های سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، به دولت‌ها کمک نموده تا جهان را بدون در نظر گرفتن بلوک‌بندی‌ها، در صلح و آرامش و همکاری‌های پایدار قرار دهند. البته تقویت نگاه حقوقی ملل و دول در اعتقاد راسخ به استواری و استقرار قوانین و مقررات بین‌المللی که ناشی از توافق و تراضی است می‌تواند نقش مهمی در استقرار صلح و پاسداری از آن ایفاء نماید.

## صلح و امنیت بین‌المللی و ارتباط آن با مفاهیم بنیادین حقوق بشر و

### دموکراسی

صلح و امنیت بین‌المللی دارای ارتباط بسیار نزدیکی با دموکراسی و حقوق بشر می‌باشد؛ زیرا تا زمانی که در جامعه‌ای نظام دموکراسی برقرار نباشد، حقوق و آزادی‌های اساسی بشر رعایت نمی‌شود و در نتیجه صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره خواهد افتاد. در واقع، «دموکراسی، حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی سه مقوله‌ای هستند که وجود هریک به وجود دیگری ارتباط دارد و این‌ها هرمی را تشکیل می‌دهند که صلح و امنیت بین‌المللی در رأس آن قرار دارد و عدم وجود هریک از دو عنصر دموکراسی و حقوق بشر باعث به مخاطره افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود»<sup>۱</sup>.

---

۱. این جمله بخشی از سخنان سرکار خانم «ایرینا بوکوا»، دبیرکل سازمان یونسکو، در پاسخ به سوالی تحت این عنوان که «در جامعه‌ای که حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان و سایر حقوق بشری رعایت نمی‌شود، سازمان یونسکو چگونه می‌تواند از صلح و امنیت بین‌المللی محافظت کند؟» که اینجانب به شخصه در سمیناری در دانشگاه تهران از ایشان پرسیدم، می‌باشد.

## همکاری پایدار سازمان ملل در برقراری صلح

همکاری پایدار؛ از موضع ساختارگرایانه پیروی می‌کند، یعنی کشور گذشته از تمایلات اخلاقی برای همکاری، برای نیل به هدف مشترک از قواعد حقوقی (قرارداد، توافقنامه، پروتکل، معاهده و ...) دو جانبه و جند جانبه بهره می‌گیرند؛ این نوع از همکاری‌ها ماندگار و به‌مراتب از پایداری و ثبات بیشتر برخوردارند. واژه همکاری<sup>۲</sup> نخستین بار توسط رابرت اوون<sup>۳</sup> اصلاح‌گر سوسیالیست بریتانیایی در مقابل واژه رقابت<sup>۴</sup> به کار گرفته شد؛ سپس صاحب‌نظران و مصلحان اجتماعی این کلمه را با مفاهیم و کارکردهای متفاوتی به کار بستند تا جایی که مقوله نهضت همکاری<sup>۵</sup> و حتی همکاری‌گرایی<sup>۶</sup> در نظریه‌های اقتصادی - اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود. مراد از همکاری بین‌المللی این است که اشخاص حقیقی یا حقوقی بین‌المللی برای رسید به یک هدف، با یکدیگر مشارکت نموده و برای منافع مشترک از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌نمایند (وکیل، ۱۳۸۳: ۶۰). نظیر همکاری کشورهای عضو سازمان ملل متحد که مثلاً برای از بین بردن فقر جهانی یا صلح بین‌المللی از قدرت فوق ملی (سازمان ملل - شورای امنیت یا ...) پیروی می‌نمایند. مواد ۸ تا ۱۶ میثاق نیز در توسعه و تحکیم صلح روی موضوع موصوف متمرکز شد: کاهش سلاح‌های نظامی ملی، تهیه طرح‌هایی برای کاهش سلاح‌های نظامی، بررسی این طرح‌ها هر ده سال یک‌بار، فراگرفتن محدودیت‌های مربوط به سلاح‌های نظامی با اجازه شورای اجرایی ممکن خواهد بود (وکیل، ۱۳۸۳: ۸۵).

## مرزبندی صلح و همکاری

مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهمترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. امروزه صلح نه تنها در بین کشورها فراتر رفته بلکه صلح قاره‌ای هم مطرح است؛ و کشورهای مختلف با تشکیل سازمان‌هایی همکاری در جهت ایجاد امنیت و صلح در بین کشورهای

۲. cooperation

۳. Robert Owen

۴. Competition

۵. Movment cooperation

۶. Cooperatisme

رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی<sup>۵</sup>

هم‌جوار نیز همکاری می‌کنند (منشی پور، ۱۳۸۷: ۲۲). در گذشته صلح و امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. جهانی‌شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعت از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، تخریب محیط‌زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند بلکه کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها ممکن است سبب بروز و متأثر از تهدیدات تلقی شوند. صلح مساوی با عدم برخورد نظامی تلقی نمی‌شود بلکه فقر، گرسنگی، تبعیض، فقدان دموکراسی، حکومت ناکارآمد، نقض حقوق بشر، زمینه‌ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. در این دیدگاه حتی مداخله در امور داخلی دولت‌ها نه تنها غیرقانونی نیست بلکه زمینه‌ساز صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در دوران پس از جنگ سرد چون جامعه بین‌المللی نقش بسیار فعالی در نظارت و مراقبت از رعایت حقوق بشر و اصول اساسی حقوق بین‌الملل را بر عهده گرفته و محور اینگونه اقدامات در شورای امنیت، ساخته و پرداخته می‌شود در وضعیت‌هایی که در بردارنده نقض اساسی حقوق بشر است ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین نقض اصل حق تعیین سرنوشت و نقض اساسی حقوق بشری شکل گرفته و حاکمیت ملی نه تنها مانع مداخلات مشروع و سازمان‌یافته بین‌المللی نیست بلکه چنین مداخلاتی به منزله برقراری حاکمیت ملی و اعمال حق تعیین سرنوشت تعبیر می‌شود (بیلیس، ۱۳۸۵: ۶۹).

### عملیات حفظ صلح

اصطلاح حفظ صلح ابتدا در میثاق جامعه ملل مطرح شد. بر اساس مواد ده، یازده، پانزده و شانزده میثاق، هیئت‌های ناظر بر صلح در زمان بحران‌های مختلف ایجاد شدند (ثقفی عامر، ۱۳۸۶: ۳۷)؛ اما در منشور، مقررات صریحی برای ایجاد نیروی حافظ صلح پیش‌بینی نشده است. اگرچه استفاده از نیروهای حافظ صلح در منشور پیش‌بینی نشده است، ضرورت‌های حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در دوران جنگ سرد ایجاب کرد که شورای امنیت از این نیروها در حفظ و برقراری صلح بهره‌گیرد؛ اما چهار اصل، راهنمای شورای امنیت در استفاده از چنین

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

نیروهایی در دوران جنگ سرد بود. اصل اول مبتنی بر این بود که قبلاً قرارداد صلح یا آتش‌بس بین نیروهای متخاصم به امضا رسیده باشد. دوم آنکه متخصصین برای اعزام چنین نیروهایی اعلام رضایت کرده باشند. اصل سوم مبتنی بر بی‌طرفی کامل نیروهای اعزامی و عدم شرکت آن‌ها در مخاصمات بود. بالاخره اینکه این نیروها باید در دفاع از خود حق به‌کارگیری اسلحه را داشته باشند (خرازی، ۱۳۸۴: ۲۲۳). در دوران بعد از جنگ سرد نه تنها استفاده از چنین نیروهایی افزایش یافت بلکه ماهیت و دامنه مأموریت‌های آنان نیز تغییر یافت. اداره یک منطقه یا یک کشور، برگزاری انتخابات یا نظارت بر آن، دیپلماسی پیشگیرانه و کمک به تحکیم صلح و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آن جمله است.

### ارتباط بین صلح جهانی و سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شوند. گروهی از سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه‌های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت دارند تأثیر بیشتر و عمیق‌تری در تحول صلح بر جای می‌گذارند. بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیردولتی تأثیرات زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تأمین آن دارند که از فعالیت آن‌ها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می‌گیرد. سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی است که نقش اصلی را در حفظ صلح و تأمین امنیت در جهان به عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته‌جمعی است، سازمان بین‌دولتی محسوب می‌شود. این سازمان نقش مؤثری در برقراری امنیت و تأمین صلح در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه‌های صلح‌بانی در مناطق بحران‌زده و برخی از آن‌ها غیرمستقیم بوده است؛ مانند تشکیل سازمان‌های حقوقی و داوری برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم‌ها، قواعد و هنجارهای بین‌المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف‌سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین‌المللی و بالاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می‌کند (تقفی عامر، ۱۳۸۶: ۵۵).

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

در مورد سازمان‌های نظامی بین‌المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌توان گفت در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده‌اند و احتمال می‌رود با گسترش حوزه فعالیت آن‌ها به سایر نقاط نقش فعال‌تری در تأمین صلح و امنیت جهانی در سایر مناطق جهان ایفا کند. برای نمونه: رهبران کشورهای عضو ناتو در نوامبر ۱۹۹۱ «بیانه صلح و همکاری رم» را صادر کردند. در این بیانیه که به دنبال بیانیه لندن در ۱۹۹۰ صادر شد، بر این امر تأکید شده بود که در این زمان، تشکیل اجتماعی متشکل از ارزش‌های مشترک آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است. نهادهایی که در آن زمان، مسئولیت تشکیل چنین اجتماعی را بر عهده داشتند، اتحادیه‌ی اروپای غربی، شورای اروپا، جامعه اروپایی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می‌بایست در برابر بی‌ثباتی‌های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی‌گرایانه، راهکارهایی را ارائه می‌دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه‌حل برون‌رفت از بحران‌های جدید را در به‌کارگیری همزمان سه رهیافت «گفتگو»، «همکاری» و «حفظ توان دفاع جمعی» می‌دانستند.

سازمان کنفرانس اسلامی یکی از سازمان‌های بین‌دولتی مهم به خصوص در بین کشورهای اسلامی می‌باشد این سازمان به خصوص در نقش‌آفرینی ایران به عنوان ریاست پیشینی سازمان در حل بحران‌های منطقه‌ای، بحران سوریه و ترکیه، کوزوو و حل مسائل و مشکلات فلسطینیان، لیبی، افغانستان و عراق و کسب موفقیت‌های افتخارآفرین در این عرصه‌ها، پتانسیل بالقوه و نهفته‌ی این سازمان را فراروی صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان سیاسی قرار داده است که می‌تواند با بهره‌مندی بهینه از آن، بیش از آنچه است، در عرصه بین‌المللی به ایفای نقش بپردازد. یکی از اولویت‌های مهم سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش برای رفع تشنج و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است. همچنین همایش ژنو اولین تجربه‌ی موفق سازمان کنفرانس اسلامی در انجام اقدامی جمعی و محتوایی در زمینه‌ی حقوق بشر در تعاطی با سازمان ملل متحد محسوب می‌شود (ذوالعین، ۱۳۸۴: ۲۰). باید یادآور شویم مطالعه و بررسی نظام‌های منطقه‌ای از آن جهت دارای اهمیت می‌باشد که شناخت مسائل منطقه‌ای؛ تعاملات؛ جهت‌گیری و همکاری‌های منطقه‌ای به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در تدوین استراتژی‌های کشورها و همکاری‌های منطقه‌ای کمک همه‌جانبه‌ای می‌نماید. ارزیابی و مرور یک سازمان

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

بین‌المللی و نهاد همگرا به نام اتحادیه آفریقا<sup>۱</sup> که بیش از چهار دهه از تأسیس ابتدایی آن با عنوان سازمان وحدت آفریقا می‌گذرد و به نوعی نخستین تجربه همگرایی در قاره آفریقا با استفاده از مدل منطقه‌گرایی منطقه‌ای و بهره‌گیری از الگوی نو کارکردگرایی می‌باشد ما را در شناخت تأثیر نهادهای همگرا در قرن حاضر یاری می‌نماید. سازمان وحدت آفریقا در ابتدای کار فعالیت‌های خود را بر اهداف سیاسی که در ماده دوم اساسنامه آن ترسیم شده بود، متمرکز کرد. در این چارچوب این سازمان نقش عمده‌ای در استعمارزدایی از قاره آفریقا، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز منازعات مرزی کشورهای این قاره، دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی اعضا و مبارزه با آپارتاید ایفا کرد. امروزه دیگر داده‌های سیاسی به تنهایی نمی‌توانند ساختارهای نوینی در نظام بین‌المللی ایجاد نمایند و این بازیگران همگرا هستند که با بهره‌گیری از حاصل جمع قدرت واحدهای سیاسی می‌توانند در ماهیت نظام بین‌الملل نقش ایفا نمایند و این اتحادیه آفریقا بوده است که با فرایندی طولانی و پرهیز از خلق ناگهانی درصد نهادینه ساختن همگرایی نوین در آفریقا بوده است و تا کنون توانسته با نگاهی عملیاتی گام‌های مؤثری را در جهت اهداف والای خود که توسعه پایدار و تأمین صلح و امنیت آفریقا می‌باشد گام بردارد (توانا، ۱۳۹۰: ۷۴).

نهادگرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان‌های بین‌المللی و توانایی آن‌ها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۷۸).

### میثاق جامعه ملل و صلح و امنیت بین‌المللی

مقدمه میثاق جامعه ملل دربرگیرنده نکات حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، این مقدمه نوعی اهداف و برخی از تعهدات عمده دولت‌های عضو جامعه ملل را دربر می‌گیرد. بر طبق مقدمه میثاق جامعه ملل، هدف عمده و اصلی در شکل‌گیری این سازمان بین‌المللی، «ترویج همکاری بین‌المللی و دستیابی به (حفظ) صلح و امنیت بین‌المللی» بوده است.

۱- پذیرش تعهدات مبتنی بر عدم توسل به جنگ،

---

۱. African union



\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

۲- برقراری روابط آزاد، عادلانه و محترمانه میان ملت‌ها،

۳- اجرای کامل تعهدات به موجب حقوق بین‌الملل (به عنوان حقوق واقعی حاکم بر رفتار دولت‌ها) و

۴- حفظ عدالت و احترام کامل به همه تعهدات ناشی از معاهدات در روابط ملت‌های نظم یافته (طلایی، ۱۳۸۹: ۵۱).

همان‌طور که بیان شد، هدف اساسی ایجاد جامعه ملل، جلوگیری از جنگ و ممانعت از بروز خشونت میان کشورها و اداره صحیح جامعه جهانی بود تا از این طریق بتوان به صلح و امنیت بین‌المللی دست یافت.

### نظریه‌های صلح و همکاری

به نظر لیبرالیست‌ها، سیاست عبارت است از هنر خوب حکومت کردن؛ یا حکومت خوب و سیاست‌مدار خوب کسی است که عملکردش مطابق اخلاق و ارزش‌های انسانی باشد. لیبرالیسم اعتقاد دارد که انسان‌ها قابلیت یادگیری داشته و تعلیم پذیرند و در نتیجه می‌توانند رفتارهای خود را تغییر دهند. پس آن‌ها باید رفتار و عملکرد ناپه‌نجار و غیراخلاقی خود را بر اساس موازین اخلاقی و انسانی تغییر داده و رفتار به‌نجار و اخلاقی را پیشه کنند (مدنی، ۱۳۸۷: ۹۴).

لیبرالیست‌ها از مفروضه‌های مشترکی راجع به واقعیت و جهان سیاست برخوردارند. به طور کلی، جهان بینی لیبرالیست‌ها بر اعتقادات و مفروضه‌های زیر استوار است:

۱- سرشت و ذات بشر اساساً خوب یا نوع‌دوستانه است و بنابراین انسان‌ها قادر به کمک متقابل و همکاری هستند.

۲- نگرانی اساسی بشر برای رفاه، ترقی و پیشرفت را امکان‌پذیر می‌سازد؛ یعنی این اصل روشنگری در مورد امکان رشد و توسعه تمدن مجدداً مورد تأیید و تصدیق قرار می‌گیرد.

۳- رفتار بد انسان، محصول و معلول انسان شرور نیست، بلکه معلول نهادها و تربیبات ساختاری بشر است که انسان‌ها را تحریک می‌کند تا خودپرستانه عمل کرده و به دیگران آسیب برسانند و بجنگند.

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———
- ۴- انسان اگر بر مبنای فطرت خوب و نوع دوست خود عمل کند رفتاری همکاری جویانه و صلح آمیز خواهد داشت. به تبع آن، اگر انسان‌ها و سیاستمداران خودساخته و آموزش دیده در کشورها قدرت را به دست گیرند صلح و همکاری بین‌المللی تحقق خواهد یافت.
- ۵- برای استقرار صلح و همکاری بین‌المللی باید نهادها و ساختارهایی که انسان در آن از فطرت خود دور افتاده است و بر اساس آن رفتار و عمل نمی‌کند را اصلاح کرد. همچنین برای این که بشر و فرد بتواند بر مبنای فطرت خود عمل کند، فرآیندها و نظام‌های تربیتی و اجتماعی باید اصلاح شود.
- ۶- کشورها نیز ذاتاً خودپرست و جنگ طلب نیستند، بلکه برعکس، همکاری جو و نوع دوست هستند و لذا قابلیت اصلاح رفتارهای نابهنجار خود را دارند (مدنی، ۱۳۸۷: ۴۷).
- به مخاطره افتادن صلح حدی بس وسیع دارد. صلح بین‌المللی ممکن است در اثر عوامل مختلفی به مخاطره بیفتد؛ زیرا به همان اندازه که اختلاف میان دو یا چند کشور برای صلح بین‌المللی زیان‌آور است، بحران‌های داخلی کشور نیز عاملی مؤثر به خطر انداختن امنیت جهانی است به شمار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت که «تهدید بر صلح» در چارچوب ماده ۳۹ یعنی «آن وضعیتی که به‌طور مؤثر صلح را به خطر می‌اندازد» در این صورت، آن بحرانی که برای صلح مخاطره‌آمیز است، دو خصیصه دارد: یکی اینکه انفجار آمیز است و دیگری نتیجه نقض تعهدی بین‌المللی است (آقای، ۱۳۸۲: ۴۴).

### دموکراسی، عدالت و صلح

ارسطو (۳۲۲ ق م - ۳۸۴ ق م) در کتاب پنجم «اخلاقیات نیکوماچین» که به تحلیل عدالت و انصاف اختصاص دارد، معتقد است که عدالت صرفاً در جامعه‌ای وجود دارد که قانون بر آن حاکم است و وظیفه‌ی حقوق را تشخیص بین عدالت و بی‌عدالتی می‌داند (جان مکلی،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲). به این اعتبار حکومت قانون را که پایه‌ی اصلی دموکراسی است، عامل برقراری عدالت در اجتماع می‌داند. بعضی از متفکرین جهت بررسی مفهوم عدالت به تحلیل چارچوب و اصالت «قرارداد اجتماعی» پرداخته‌اند. قدمت ایده قرارداد اجتماعی به زمان‌های قدیم می‌رسد از سقراط و افلاطون گرفته تا علمای مسیحی قرون وسطی و در ادامه‌ی آن فیلسوفان اوایل

---

۱. John M. Kelly Mark Tebbit

رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی<sup>۵</sup>

دوران مدرن مانند توماس هابز، امانوئل کانت و ژان ژاک روسو، همه آن را مطرح کرده‌اند. به نقل از افلاطون، سقراط بر اساس قرارداد اجتماعی محکومیت خود را با آنکه غیر عادلانه می‌دانست، ولی قانونی توصیف کرد و پذیرفت (مارک تیبیت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). اغلب نام‌آوران مکتب موضوعه‌ی کلاسیک مانند جان آستین انگلیسی (۱۷۹۰-۱۸۵۹)، به هیچ ارتباطی بین حقوق و عدالت معتقد نیستند و علناً اظهار می‌دارند که حقوق بااخلاق و عدالت ارتباطی ندارد و صرفاً انعکاسی از حقایق اجتماعی و خواسته‌های مردم در یک سیستم دموکراتیک است. حقوق‌دانان متأخر این مکتب مانند «اچ-ال-ا-هارت» با حفظ خط اصلی تفکر و استدلال مذکور، تعدیلی را در بحث‌های خود نسبت به مفاهیمی مانند اخلاق و عدالت نشان می‌دهند.

هانس کلسن (۱۹۷۳-۱۸۸۱)، حقوق‌دان اروپایی-آمریکایی، کتاب «عدالت چیست؟» خویش را این‌گونه آغاز می‌کند: در دنیای امروز (جهانی شده)، تعریف عدالت کار دشوارتری است به‌طوری‌که جان رالز<sup>۳</sup> (۲۰۰۲-۱۹۲۱) نظریه‌پرداز برجسته‌ی حقوق، در کتاب خود تحت عنوان «تئوری عدالت» عدالت را در هر کشوری یا جامعه‌ای با توجه به خصوصیات آن و به‌طور جداگانه قابل مطالعه می‌داند (راولز جان<sup>۴</sup>، ۱۹۷۱). درعین حال حقوق‌دانانی مانند «توماس پوگی»<sup>۵</sup> (۱۹۵۳)، بر این اعتقادند که عدالت را باید در «کل جامعه‌ی بشری» جستجو نمود. وی با اعتقاد راسخ به امکان تحقق عدالت جهانی موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد (ویلیام توینگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰)

نظریه کانت<sup>۲</sup> از صلح در نظر داشت، «صلح به معنی عدم جنگ» یا همان «صلح منفی» بود. شاید علت این امر، صرف‌نظر از مقتضیات زمان کانت، عدم توجه وی به این واقعیت بود که صلح مفهومی دینامیک و پویاست، نه ایستا. بنابراین، اگر به آن صرفاً به صورت روئینایی نگریسته شود، پس از چندی کارایی خود را از دست خواهد داد. به بیان دیگر، گفتمان صلح بدون توجه به ریشه‌ها و زیربنای آن، ره به جایی نمی‌برد و بی‌شک سست و شکننده خواهد بود. واقعیت این است که در یک مقتضیات زمانی، جنگ و جهاد، اگر چه در ظاهر مغایر صلح است

---

۲. Mark Tebbit

۳. John Rawls

۴. Rawls John

۵. Pogy

۱. William Twining

۲. Kant's

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

ولی عین عدالت باشد. در اینجاست که نیاز به مصلحت‌گرایی، که خود مبتنی بر عقل است، مطرح می‌شود که البته در اصول و فروع صلح پایدار کانت جایی ندارد. نظریهٔ رامل<sup>۳</sup> این است که نه تنها دولت‌های آزادی‌گرا<sup>۴</sup> گرایش به حل و فصل اختلافات میان خود از راه‌های مسالمت‌آمیز دارند، بلکه این دولت‌ها اصولاً در روابط خارجی‌شان، کمتر خشونت‌گرا هستند. نظریه هگل<sup>۵</sup> سازش میان آزادی فرد و قدرت دولت، برجسته‌ترین بعد نظام فلسفی هگل است که بعد از شکل‌گیری «دولت» محقق می‌شود. مبنای اصلی فلسفه هگل این است که «آنچه عقلی است، واقعی است و آنچه واقعی است عقلی است». به این معنا که هر آنچه وجود دارد، از جمله دولت تجسم عقل بوده و آنچه به تمامی نمودهای محض نفوذ می‌کند، اصلی عقلی است که به نهادهای سیاسی معنا می‌دهد. نظریه سن اگوستین<sup>۶</sup> صلح در دیدگاه اگوستین مفهومش این است که دامنه‌ی آن آرامشی که استقرارش به نظر افلاطون فقط در داخل مرزهای یک «دولت شهری» میسر بود، چنان پهن و گسترده شود که سرتاسر جهان را فراگیرد، از آنجا که خدا انسان را مأمور کرده است که همسایه‌اش را مثل خویشتن دوست بدارد، پس به ناچار عین این محبت را نسبت به زن‌ها و بچه‌ها و دیگر اعضای خانواده و هم چنین نسبت به تمام آفریدگان دیگر خدا نیز باید داشته باشد. به این ترتیب چنین بنده‌ای در جوار صلح و آرامش و در عین سازگاری با تمام جهانیان بشر خواهد برد (طاهری، ۱۳۸۷: ۱۳۴). به نظر توماس هابز<sup>۱</sup> تنها راه برقراری صلح این است که قدرت فائده‌ای در سطح بین دولت‌ها ظاهر شود و هر کس را سر جای خود بنشانند.

در غیاب چنین «ابر حکومتی» وضع بسیار ناامید کننده است. باروخ اسپینوزا<sup>۲</sup> صلح به معنی نبود جنگ نیست بلکه فضیلتی است که از نیروی جان‌مایه می‌گیرد و همان‌طور که آزادی به چم زندانی نبودن نیست صلح هم به چم نبود جنگ نیست.

---

۳. Ramel

۴. libertarian states

۵. Hegel

۶. Saint Augustine

۱. Thomas Hobbes

۲. Baroque Spinoza

### نظریه ارتباطات گرایی و همکاری بین‌المللی

در روابط بین‌الملل، ارتباطات یکی از شرایط لازم برای همکاری است. گفته می‌شود ارتباطات بین‌المللی به مذاکرات بین‌المللی، مذاکرات بین‌المللی به همکاری بین‌المللی و همکاری بین‌المللی به همگرایی بین‌المللی می‌انجامد. از آنجا که همگرایی مرحله نهایی فرآیند همکاری است، فرآیند ارتباطی باید ذاتاً متضمن رابطه متقابل یا بازخوران بین واحدهای تشکیل‌دهنده یک نظام بین‌المللی باشد. رویکرد ارتباطات با وام گرفتن از ایده‌های لیبرالیسم و بهره‌گیری از مفهوم ارتباطات، سه اثر مهم بر روابط بین‌الملل دارد:

اولاً رویکرد ارتباطات دیگر به قدرت به عنوان متغیر اساسی در تبیین پدیده‌های سیاسی نمی‌نگرد. بلکه از این منظر، جوهره سیاست به وجود هماهنگی مطمئنی بین تلاش‌ها و انتظارات انسان‌ها برای دستیابی به اهداف جامعه می‌پردازد.

دوماً روی ماهیت تجربی مفاهیم تأکید زیادی می‌شود و سعی بر این است تا تمام مفاهیم از طریق سنجش و نگاشت، عملیاتی شوند. نظریه‌پردازان ارتباطات همه انواع ارتباطات را به‌طور برابر برجسته می‌کنند و هر چه آنچه را آمار اجازه اندازه‌گیری بدهد اندازه می‌گیرند. در همین زمینه، یکی از مزیت‌های کار «کارل دویچ» به عنوان نظریه‌پرداز اصلی رویکرد ارتباطات در روابط بین‌الملل، شاخص سازی برای همکاری بین‌المللی است. به عنوان مثال وی در کتاب «فرانسه، آلمان و اتحاد غرب» (۱۹۶۷) برای تعیین گستره و سطح همکاری به بررسی پنج دسته شواهد می‌پردازد: مصاحبه‌های نخبگان، نظرسنجی‌های عمومی، تحلیل محتوای مطبوعات، بررسی پیشنهادات مربوط به کنترل تسلیحات و «آمار انبوهه» رفتارهای بالفعل (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۴۰).

### نظریه کارکردگرایی و همکاری بین‌المللی

کارکردگرایان اساساً روی ابعاد مشارکت آمیز فعالیت‌های بین‌المللی تأکید کرده و از ابعاد منازعه‌آمیز آن طفره می‌روند. آن‌ها بر اساس سیاست همکاری و عقلانیت به جهان می‌نگرند، نه بر اساس سیاست منازعه و عقلانیت گریزی. آن‌ها امیدوارند با افزایش گسترده انواع سازمان‌های کاربردی، همکاری میان ملت‌ها و دولت‌ها افزایش یابد. کارکردگرایی با نام «دیوید میتران»<sup>۱</sup> در

۱. David Mitterand

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———  
پیوند است. از دید وی، ریشه‌های همکاری بین‌المللی در قلمروی وابستگی متقابل کارکردی جستجو می‌شود. میترانی بر اجتناب‌ناپذیر بودن همکاری میان دولت‌ها به علت مشکلات فنی فراوان و عدم توانایی سیاستمداران برای حل آن‌ها تأکید دارد (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۲۳).

### نظریه نوکارکردگرایی و همکاری بین‌المللی

یکی از متفکران اصلی نظریه نوکارکردگرایی، «ارنست بی. هاس<sup>۲</sup>» است. وی با کنار گذاشتن بعد هنجاری نظریه کارکردگرایی و افزودن یک بعد فایده‌گرایانه به آن، تلاش نمود روایت جدیدی از این نظریه ارائه دهد. از نظر «هاس» هم همکاری در حوزه سیاست ملایم آغاز می‌شود، اما او برخلاف «میترانی» اقتصاد و سیاست را کاملاً از هم جدا نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسایل اقتصادی اذعان دارد. یکی از مفاهیم مورد استفاده هاس، «سرایت» یا «سرریزی» است. فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته‌اند. در نتیجه هر اقدامی برای همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌شود و همکاری از یک بخش به بخشی دیگر سرریز می‌کند. عکس آن نیز صحیح است؛ یعنی بروز مشکل در یک بخش می‌تواند همکاری در بخش‌های دیگر را نیز مختل نماید. نوکارکردگرایان نیز همچون طرفداران رویکرد ارتباطات، به فراکنش‌های منطقه‌ای و سود و زیان‌های همراه با آن‌ها برای کنش‌گران، ارتباطات متقابل نخبگان، پاسخ‌گویی متقابل نخبگان، مناسب بودن نهادها برای اقدام کردن در مورد فشار فراکنشی و ارتباطی توجه می‌کنند؛ اما نوکارکردگرایان ترجیح می‌دهند به جای تأکید بر حجم و میزان مراودات یا جزر و مد افکار عمومی، سبک‌های چانه‌زنی و راهبردها را به عنوان داده‌های پایه‌ای خود مطالعه کنند. نوکارکردگرایان استدلال می‌کنند موضوعات مربوط به رفاه و راهکار خارجی و دفاعی برای کنش‌گران از همه برجسته‌ترند (وکیل، ۱۳۸۳: ۳۷).

### نظریه صلح دموکراتیک و همکاری بین‌المللی

این نظریه ریشه در آرای فلسفی و اندیشه سیاسی «امانوئل کانت» فیلسوف آلمانی دارد که در کتاب «صلح ابدی» استدلال می‌کند که جمهوری‌ها (یا به معنای امروزی، لیبرال

---

۲. Ernest B. Hase

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

دموکراسی‌ها) به ندرت با هم می‌جنگند. استدلال کانت این است که بین ساختار داخلی کشور و سیاست خارجی آن پیوند وثیقی وجود دارد. در حقیقت، قانون اساسی دموکراتیک، یک شرط لازم و ضروری برای صلح است. طبق نظریه صلح دموکراتیک، چشم‌اندازهای همکاری اقتصادی و سیاسی و حفظ آن در میان دموکراسی‌های توسعه‌یافته، قوی‌تر است. چرا که این دولت‌ها گسترده‌ترین دامنه منافع مشترک سیاسی، نظامی و اقتصادی را دارند؛ بنابراین بیشترین امید را هم برای دستیابی به منافع‌های بزرگ و مطلق از طریق اقدام مشترک در اختیار دارند (وکیل، ۱۳۸۳: ۳۵). از دیدگاه این نظریه برای دستیابی به صلح و ثبات، باید نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراتیک ایجاد کرد. در مورد این که دموکراسی‌ها به ندرت با هم می‌جنگند، حداقل دو استدلال و توضیح قابل تفکیک است. اولین استدلال بر هنجارهایی که فرآیندهای تصمیم‌گیری دموکراتیک در آن شکل می‌گیرد و سازوکارهای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز و مصالحه‌جویانه ستیزهای سیاسی را ایجاد می‌کند و نیز بر تساوی شهروندان، حکومت اکثریت، تحمل اختلاف عقیده و حقوق اقلیت‌ها تأکید و تکیه می‌کند. نظام‌های دموکراتیک که بر عدالت و رضایت مردم تکیه می‌کنند، بر این اعتقادند که سایر دموکراسی‌ها نیز مشروع و عادل بوده و لذا مستحق مصالحه و سازش هستند. برعکس، کشورهای لیبرال دموکرات می‌پندارند که کشورهای غیردموکراتیک که بر رضایت مردم استوار نیستند، مشروع و عادل نیستند. نظام‌های غیردموکراتیک که به حقوق شهروندان خود تجاوز می‌کنند در سیاست خارجی قابل اعتماد نیستند؛ بنابراین، هویت اجتماعی کشورها حداقل تا اندازه‌ای از شخصیت و ماهیت دموکراتیک ساختارهای داخلی نشأت می‌گیرد. این امر به تعریف هویت جمعی میان کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک می‌انجامد و بر همکاری بین کشورهای دموکراتیک تأثیر مثبت و بر همکاری میان کشورهای دموکراتیک و کشورهای غیردموکراتیک تأثیر منفی می‌گذارد.

### نولیبرالیسم و همکاری بین‌المللی

نولیبرالیسم یا نهادگرایی نولیبرال یک تلاش نظری برای سازش لیبرالیسم و رئالیسم بود. نولیبرالیسم با نورئالیسم نقاط اشتراک زیادی دارد. نهادگرایان نولیبرال نیز همانند نورئالیست‌ها به نقش کشورها و قدرت آن‌ها در نظام بین‌الملل اذعان دارند. هم‌چنین کشورها را بازیگران عاقل می‌دانند که درصدد به حداکثر رساندن منافع خود هستند؛ و مهم‌تر این که آنان نیز نظام بین‌الملل را آنارشیک و فاقد یک مرجع و اقتدار مرکزی می‌دانند؛ اما بر خلاف نورئالیسم، نهادگرایی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

نولیبرال به نقش سازنده نهادهای بین‌المللی در سیاست بین‌الملل مستقل از توزیع قدرت بین کشورها اعتقاد دارد. نولیبرال‌ها به وجود عنصر ناسازگاری و درگیری در همکاری اعتقاد دارند و آن را بخش جدایی‌ناپذیر عملکرد دولت‌ها می‌دانند و آنچه را که لیبرال‌های کلاسیک با «دست نامرئی» آدام اسمیت به دنبال آن هستند، باور ندارند. آن‌ها می‌گویند دولت‌ها از نزدیک با یکدیگر همکاری می‌کنند، ولی این همکاری‌ها به علت نزدیکی بیش از حد موجب سایش و اصطکاک می‌شود، اما کار این‌جا خاتمه نیافته و دوباره تلاشی نو برای از بین بردن اختلاف آغاز شده و به همکاری جدید می‌انجامد (فلسفی، ۱۳۸۳: ۷۲).

### صلح پایدار و امنیت بین‌المللی

پرداختن به صلح و جستجوی راه‌های دستیابی به آن، یکی از اصلی‌ترین دل‌مشغولی‌های بشر در طول تاریخ بوده و هست؛ چرا که سایه جنگ اغلب بر حیات بشر احساس شده و البته هنوز هم همین سایه و دل‌مشغولی به قوت خود بلکه بیش از پیش وجود دارد و احساس می‌شود. با این حال، از یک منظر، با در نظر گرفتن فطرت و طبع بشر و همچنین مقایسه زمانی درگیری‌ها با شرایط صلح در طول تاریخ، اصالت با صلح است و پدیدارهای مغایر آن، امری غیرذاتی و عرضی تلقی می‌شوند که هر چند در برخی مقاطع بر حیات اجتماعی بشر سایه افکنده، اما این سایه با اهتمام و تلاش بشر قابل رفع خواهد بود (ساعد، ۱۳۸۹: ۹). در واقع در مقابل دورنمای وحشتناکی که برای بشریت در پیش است، به عیان می‌توان دریافت که «صلح» تنها پیکاری است که ارزش درگیر شدن را دارد (کاسسه، ۱۳۷۵: ۵۹).

اصطلاح صلح سنتاً به عنوان آزادی از جنگ و ستیز و به عبارت بهتر، فقدان جنگ و ستیز تعریف شده است. این مفهوم ایده‌آلیستی به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به عقیده‌ای تبدیل شده است که طبق آن «صلح در غیاب جنگ وجود دارد.» به این ترتیب، زمانی که یک کشور تحت تصرف کشور دیگر قرار دارد و جنگ میان آن‌ها به پایان رسیده، تنها به این دلیل که روابط خصمانه میان آن‌ها به پایان رسیده، روابط آن‌ها طبق این مفهوم سنتی از صلح، باز هم صلح‌آمیز تلقی می‌شود. این طرز تفکر تحمل‌پذیر در مقابل برخوردهای مسلحانه، هر چند امروز مشخص‌تر است، اما از قدیم نیز وجود داشته است، زیرا جنگ به‌عنوان بخشی از موجودیت انسانی، همیشه وجود داشته است. از ادوار قبل از تاریخ، انسان گرفتار کشمکش‌های نظامی بوده و پیوسته در جستجوی راه‌هایی برای کشتار سریع‌تر بوده است (ولی، ۱۳۷۰: ۳۳۵).



رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی<sup>۵</sup>

صلح، واژه‌ای است که عموماً به فقدان تجاوز، خشونت یا خصومت اشاره دارد، اما همچنان متضمن مفهوم وسیع‌تری است که دربردارنده سلامتی، روابط بین فردی یا بین‌المللی جدیداً بهبود یافته، امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی یا اقتصادی، به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی و در موضوعات جهانی است. زمان صلح، یک وضعیت فاقد جنگ یا تعارض می‌باشد. به بیان دیگر درک ماهیت صلح در زمان فقدان یا از دست دادن آن روشن می‌گردد؛ اما به روی هر ناامنی، بی‌عدالتی اجتماعی - اقتصادی، بنیادگرایی سیاسی، مذهبی و ملی‌گرایی افراطی همه می‌توانند به نوعی منجر به نقض صلح شوند (امینی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

فصل هفتم منشور (مواد ۵۲-۳۹) اختصاص به مهمترین مساله یعنی اقدام در مورد تهدید بر ضد صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز دارد. اگر شورای امنیت عملی را تهدید بر ضد صلح، نقض صلح و یا تجاوز تشخیص دهد، می‌تواند توصیه‌هایی کرده و یا تصمیماتی را اتخاذ کند. قبل از هر اقدامی که شورای امنیت باید به حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی مبادرت کند، بایستی مطابق ماده ۳۹ منشور ابتدا به احراز وضعیتی بپردازد که تهدید بر ضد صلح و یا تجاوز محسوب می‌شود.

ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد که ریشه در ماده ۱۱ میثاق جامعه ملل<sup>۱</sup> دارد، از سه عنوان «تهدید بر ضد صلح»<sup>۲</sup>، «نقض صلح»<sup>۳</sup> و یا «عمل تجاوز»<sup>۴</sup> برای وضعیتی که به شورای امنیت امکان اقدام بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲ منشور را بدهد، استفاده کرده است (بیکزاده، ۱۳۸۱: ۳۷).

هدف از کاربرد عنوان «تهدید بر ضد صلح»، گسترش میدان عمل شورای امنیت می‌باشد. این عنوان کلی می‌تواند وضعیت‌های بسیار فراوان و متنوعی را تحت پوشش قرار دهد. از بحران و درگیری‌های مسلحانه داخلی گرفته تا مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان وضعیت‌های «تهدیدکننده صلح» لحاظ شوند. رویه شورای امنیت برای استفاده از عنوان «تهدید بر ضد صلح» آن است که اولاً وضعیت مطروح «تهدید جدی»<sup>۱</sup> بر ضد صلح باشد، ثانیاً این

۱. ماده ۱۱ میثاق جامعه ملل بیان می‌دارد: صریحاً اعلام می‌دارد هر جنگ یا تهدید به آن که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم یک کشور عضو جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، به کل جامعه مربوط می‌گردد.

۲. Threat to the Peace.

۳. Breach of Peace.

۴. Act of Aggression.

۱. Serious Threat.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———  
تهدید «بالفعل»<sup>۲</sup> باشد در غیر این صورت شورا از تصمیم‌گیری در چارچوب فصل هفتم خودداری خواهد کرد.

عنوان نقض صلح، یک عنوان «خنثی»<sup>۳</sup> است. بدین معنی که به شورای امنیت این امکان را می‌دهد تا بدون آنکه دولت مسئول آن وضعیت را مشخص نماید، در چارچوب فصل هفتم تصمیم بگیرد.<sup>۴</sup> شورا از این اصطلاح در مخاصمات مسلحانه شدید استفاده می‌کند تا بتواند بدون تعرض به دولت خاطی، هم مبادرت به محافظت از صلح و امنیت بین‌المللی کند و هم امکان دستیابی به یک راه‌حل سیاسی را نیز حفظ کند (بیکزاده، ۱۳۸۱: ۵۲۲).

### تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی

جهانی شدن سبب تغییر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی منبعت از نظام وستفالیایی شده است. در این دوره ماهیت تهدیدات تغییر یافته و تهدیدات از جنبه نظامی به حوزه‌های دیگر از جمله فقر و گرسنگی، تروریسم، قاچاق و جرائم سازمان‌یافته، شیوع بیماری‌های مسری، مهاجرت‌های بی‌رویه، محیط‌زیست و نقض حقوق بشر تسری یافته است؛ بنابراین دیگر صرفاً دولت‌ها منشأ تهدید تلقی نمی‌شوند بلکه ممکن است کل جامعه بشری اعم از افراد، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها سبب بروز تهدیدات تلقی شوند. باری بوزان (روزانباری، ۱۳۷۸: ۳۴).  
تهدیدات امنیتی را در پنج بعد مورد بررسی قرار داده است:

**الف) تهدیدات سیاسی:** از نظر وی تهدیدات سیاسی در سطح داخلی ناظر به مسائلی چون فقدان دموکراسی و بی‌ثباتی حکومت‌هاست. در سطح بین‌المللی نیز ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل ایجادکننده تهدیدات تلقی می‌شوند.

**ب) تهدیدات اقتصادی:** وی معتقد است فقر و توسعه‌نیافتگی مهمترین چالش‌های اقتصادی است که در بسیاری از موارد، سوءمدیریت نظام سیاسی داخلی آن‌ها را تشدید می‌کند.

**ج) تهدیدات اجتماعی:** وی می‌گوید تهدیدات اجتماعی و فرهنگی غالباً ریشه در عوامل اقتصادی دارد. معضلاتی چون مهاجرت‌های بی‌رویه غیرقانونی، بی‌سوادی، مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته، چالش‌هایی هستند که می‌توانند سبب بروز ناامنی و تهدید صلح شوند.

۲. Actual.

۳. Neutral.

۴. به عنوان مثال می‌توان به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در جنگ ایران-عراق اشاره نمود.

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

**د) تهدیدات نظامی:** تهدیدات نظامی از قدیم‌الایام به عنوان تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی مطرح بوده‌اند. امروزه تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و اختلافات ارضی کشورها با یکدیگر نیز به این تهدیدات افزوده شده است.

**ه) تهدیدات زیست‌محیطی:** از نظر وی، گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون و تغییرات آب و هوایی، از بین رفتن تدریجی جنگل‌ها خصوصاً جنگل‌های بارانی، بروز خشکسالی و کم شدن آب شیرین، آلودگی رودخانه‌ها که انسان، عامل مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از آن‌هاست تهدیداتی است که ممکن است در آینده‌ی نه‌چندان دور، سبب تهدیدات نظامی نیز بشود.

با این دیدگاه، صلح مساوی با عدم برخورد نظامی نیست بلکه فقر، گرسنگی، تبعیض، فقدان دموکراسی، حکومت ناکارآمد، نقض حقوق بشر به عنوان زمینه‌ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند. در این دیدگاه حتی مداخله در امور داخلی دولت‌ها نه تنها غیرقانونی نیست بلکه زمینه‌ساز صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. بر اساس چنین تفسیری از صلح و امنیت بین‌المللی بوده است که شورای امنیت موارد زیر را تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است:

جنگ‌های داخلی در گرجستان، لیبیا، یوگسلاوی سابق و سودان بحران‌های انسانی از جمله پاکسازی‌های قومی و تصفیه نژادی در بوسنی و هرزگوین و رواندا تغییر نظام‌های سیاسی آن چنانکه در هائیتی اتفاق افتاد.

تروریسم مانند آنکه شورای امنیت طی قطعنامه ۱۷۴۸ تحریماتی را علیه لیبی وضع کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در اعلامیه‌ای که در نهم دسامبر ۱۹۹۱ تصویب کرد مقرر کرد صلح فقط نبود جنگ نیست بلکه روند مثبت و پویا و مشارکتی است که گفتگو را تشویق می‌کند و حل درگیری‌ها را از طریق مسالمت‌آمیز با تفاهم و همکاری متقابل امکانپذیر می‌سازد. در بند ۳ همین قطعنامه مقرر شده است توسعه کامل فرهنگ صلح به تحقق موارد متعدد منوط شده است که عدم خشونت یکی از موارد آن است. کنفرانس عمومی یونسکو نیز در هجدهمین اجلاس خود اعلام نمود که صلح واقعی صلحی عادلانه و سازنده است. نباید صلح را تنها به مفهوم نبود جنگ دانست بلکه وجود یک نظام دموکراتیک در روابط بین‌المللی بر مبنای منافع مشترک و با محدوده احترام به حقوق بشر می‌تواند صلح واقعی تلقی شود.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

با توجه به تغییر در ماهیت تهدیدها کوفی عنان دبیر کل سابق ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۳ جمعی از متخصصین را دعوت و هیئتی تحت عنوان هیئت سطح بالای راجع به تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات تشکیل داد تا تهدیداتی را که جهان با آن روبروست تعیین کنند. در گزارش این هیئت، آن‌ها تهدید بر صلح و امنیت را به‌عنوان «هر اتفاق یا فرآیندی که منجر به مرگ در یک مقیاس وسیع یا کاهش شانس زندگی شود و کشورها را به عنوان واحدهای اساسی سیستم‌های بین‌المللی تضعیف نماید تعریف کردند». متعاقب این تعریف، هیئت، عوامل تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی را به شش گروه تقسیم کرد: مخاصمات بین کشورها، مخاصمات داخل کشورها، تروریسم، مسائل هسته‌ای، سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، جرائم سازمان‌یافته فرامرزی و تهدیدات اقتصادی و اجتماعی از جمله بیماری‌های مسری، فقر شدید و تنزل محیط‌زیست. با پایان جنگ سرد، موضوعات در دستور کار شورای امنیت به طور اساسی گسترش یافت.

## نقش نهادها و ذینفعان حقوق بین‌الملل در جهت تقویت و حفظ صلح و

### همکاری بین‌المللی

امروزه در چهارچوب قوانین بین‌المللی سازمان ملل همه کشورها تابع قوانین مقررات آن هستند؛ و از منافع آن بهره می‌برند. تأمین صلح و همکاری تمامی کشورها ملزم بر این است که در چهارچوب حقوقی سازمان ملل عمل نمایند؛ و در تقویت صلح پایدار همکاری کنند. امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد. نقش نهادهای ملی و بین‌المللی در جهت تأمین و حفظ صلح پایداری و همکاری با سازمان ملل مهم و ضروری است (امینی نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

### نقش دیپلماسی در تحقق صلح و همکاری بین‌المللی

امروزه همه کشورها با نوع ویژه‌ای از دیپلماسی در جهت حق صلح در چهارچوب قوانین سازمان ملل همکاری می‌کنند. هر کشور با نوع دیپلماسی صلح دوستانه خود برای رسیدن به

رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

صلح و نظم جهانی پایدار همکاری می‌کنند. در بیشتر کشورها بخصوص کشورهای خاورمیانه که امروزه به عنوان محل جنگ مطرح است. بیشترین مناقشات فقط از طریق دیپلماسی قابل حل است؛ و با نشست‌های که برگزار می‌کنند منجر به تحقق صلح و امنیت در بین آن‌ها می‌شود.

### کاربرد دیپلماسی در همگرایی بین‌المللی و اتحاد جهانی در مقابل جنگ

امروزه دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که جامعه بین‌المللی را می‌سازند، دارای روابط و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند که بیانگر روابط متقابل آن‌هاست؛ آن گونه که این روابط می‌تواند به صورت‌های روابط دوستانه (همکاری)، رقابت و تعارض‌آمیز (ستیز یا مناقشه) باشد. مهم‌ترین کاربرد دیپلماسی در حال حاضر کاهش تنش در بین کشورهاست. کشورها با مناظره‌ها و نشست‌های که برگزار می‌کنند با دعوت از نمایندگان رسمی از سایر کشورها تلاش می‌کنند تا به یک اتحاد واحد در مقابل تنش‌های منطقه‌ای دست یابند.

### تلقی تروریسم به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی

یکی از خطراتی که در سال‌های اخیر جهان را به مخاطره افکنده و توجه زیادی به آن جلب شده است پدیده تروریسم است. اگرچه کشورهای مختلفی در طول تاریخ با این پدیده دست به گریبان بوده‌اند و هر یک به نوعی رأساً با آن مبارزه می‌کرده‌اند، اولین اقدامات سازمان‌یافته برای مبارزه با تروریسم را می‌توان همکاری سازمان‌یافته دولت‌ها در چارچوب جامعه ملل جستجو کرد (شهرام زرنشان، ۱۳۸۶: ۵۵). با ابتکار این سازمان، کنوانسیون راجع به پیشگیری و سرکوب تروریسم در سال ۱۹۴۷ امضا شد که البته هیچ‌گاه لازم‌الاجرا نشد. در سال‌های پس از تشکیل ملل متحد، اقدامات وسیعی برای همکاری دولت‌ها برای مبارزه مؤثر با این پدیده به عمل آمد ولی به دلایل مختلف بر وسعت تهدیدات ناشی از عملیات تروریستی افزوده شد.

تحولات ناشی از پایان جنگ سرد در روابط و حقوق بین‌الملل سبب شد که شورای امنیت عملیات تروریستی و حتی مواردی را که شعاع آن‌ها محدود به قلمرو یک کشور بود به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی تلقی نماید. حادثه لاکربی که در آن یک هواپیمای پان-

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———  
امریکن بر اثر بمب‌گذاری بر فراز اسکاتلند منفجر شد مبنایی شد که شورای امنیت با تصویب قطعنامه شماره ۱۷۳۱ اقدامات تروریستی را به عنوان عامل تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند (الاین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). در این قطعنامه، شورای امنیت ضمن محکوم کردن این نوع اقدامات تروریستی از دولت لیبی که اتباعش مظنون به شرکت در عملیات تروریستی منفجر کردن هواپیما بودند درخواست کرد که اتباعش را برای محاکمه مسترد و در امحای تروریسم بین‌المللی مشارکت نماید.

وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا را می‌توان نقطه عطفی در مبارزه و اقدامات سازمان یافته و مؤثرتر جامعه بین‌المللی تلقی کرد. درست یک روز پس از وقوع رویداد ۱۱ سپتامبر، شورای امنیت قطعنامه ۱۳۶۸ را به تصویب رساند. شورای امنیت در این قطعنامه ضمن محکومیت شدید حملات فوق و همدردی با خانواده‌های قربانیان، حق مشروع و ذاتی دفاع فردی و جمعی را برای دولت قربانی به رسمیت شناخت و آمادگی خود را برای اتخاذ تدابیر لازم جهت مبارزه با اشکال مختلف تروریسم اعلام نمود.

### نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی

از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، وحشت از جنگ می‌باشد که به صورت انگیزه‌ای برای همکاری بین‌المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت بوده است. در این راستا اقدامات سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که بیشتر این سازمان‌ها، به عنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تأثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می‌باشد. می‌توان صلح را ماهیت اصلی به وجود آمدن این سازمان‌ها دانست سازمان‌های بین‌المللی دو نوع سازمان کاملاً متفاوت را در برمی‌گیرند؛ اولین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی دولتی که آن‌ها را دولت‌های ملی تشکیل می‌دهند و اداره می‌کنند. دومین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که دولت‌های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره‌ی آن‌ها ندارد. تعداد سازمان‌های بین‌المللی دولتی را بین ۳۰۰ تا

---

۱. Allian

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

۴۰۰ تخمین زده‌اند. امروزه در جامعه‌ی بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلای قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۲۵).

نهادگرایان لیبرال نیز معمولاً دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به نقش نهادهای بین‌المللی در ایجاد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی و در نتیجه صلح دارند و معتقدند که از سازمان‌های بین‌المللی و توانایی آن‌ها می‌توان برای افزایش یا تثبیت مزایای صلح، مانند وابستگی متقابل اقتصادی و کاهش هزینه‌های جنگ از طریق تنبیه جمعی متجاوز استفاده کرد. از مسائل و اهداف اصلی سازمان‌های بین‌المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته‌جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین‌المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت بین‌المللی گردید. پس از پایان جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره‌ی انتقالی گردید و این وضعیت، زمینه را برای نزدیکی بیشتر ملت‌ها در جهت حل بعضی معضلات فراهم کرد و در نتیجه سازمان‌های بین‌المللی تمام هدف خود را بر این مساله گذاشتند که با تشکیل کنفرانس به راه‌حلی برای رسیدن به صلح و همکاری‌هایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند. سازمان‌های بین‌المللی در حقیقت بیانگر نوعی فدرالیسم جهانی هستند. در فدرالیسم جهانی ما شاهد تجمع‌هایی هستیم که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن (دولت‌ها) ویژگی دولت بودن خودشان را حفظ کرده‌اند و ضمن حفظ ویژگی خودشان یک نهاد مستقل از خود ایجاد کرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی در واقع، نماد بسیار بارز فدرالیسم جهانی می‌باشند که حیات مستقل و شخصیت حقوقی مستقل از عناصر خود را دارند. به طور خلاصه، سازمان‌های بین‌المللی از یک دید شبیه دولت‌های فدرالی هستند که ما اکنون در جهان شاهد آن‌ها هستیم، از این دیدگاه که سازمان‌های بین‌المللی، مجموعه‌ای از نهادها هستند که با یکدیگر جمع می‌شوند و یک نهاد دیگری به وجود می‌آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما بین دولت‌ها می‌شناسیم و هر کدام از درون مستقل هستند اما در بیرون و سیاست خارجی

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———  
خود، به منظور حفظ وحدت و رسیدن به یک امنیت جمعی در بین خود با یکدیگر همکاری و فعالیت می‌کنند (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۳۹).

امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت‌ها را نشان می‌دهد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که تا چه حد سازمان‌های بین‌المللی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین‌المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. سازمان‌های بین‌المللی از دیرباز در برقراری و حفظ صلح و امنیت تأثیر داشته‌اند و از روش‌های مختلفی به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات استفاده می‌کنند که شامل روش‌های سیاسی مانند مذاکره، میانجیگری، سازش و یا روش‌های حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می‌شود.

با توجه به تحولاتی که امروزه در جامعه بین‌المللی رخ داده است، نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی روزبه‌روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند و حضور این سازمان‌ها ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و علت آن هم این است که ایجاد این سازمان‌ها نسبت به سازمان‌های بین‌المللی فوق‌العاده ساده‌تر است و در بررسی صلح در جامعه بین‌الملل نیز سازمان‌های غیردولتی بیش از سازمان‌های دولتی به مقوله صلح اهمیت داده‌اند. قلمرو فعالیت‌های این سازمان‌ها از حقوق بشر تا مخاصمات مسلحانه و محیط‌زیست می‌باشد که همه به نحوی صلح و آرامش جهانی را هدف خود قرار می‌دهند. هر بار که تغییر عمده‌ای در جامعه بین‌الملل حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه تحولات عمده‌ی واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در دهه اولیه قرن بیست و یکم و هزاره سوم تجلی یافته است. در قرن جدید، علاوه بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک جدید، در عرصه دیپلماسی «دولت زدایی» شده است. این عنصر مهم و تأثیرگذار باعث گردید در مناسبات، صلح، جنگ و ثبات از میان برداشته شود؛ و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی روی کار آمده‌اند که درصددند با گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک خود در صحنه‌های بین‌المللی نقش‌آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت‌های ملی را در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی برطرف سازند؛ دیدگاه نهادگرایان با افزایش نقش نهادهای بین‌المللی ما شاهد گسترش همکاری‌های بین‌المللی در جهت منسجم ساختن بیشتر جامعه بین‌المللی هستیم. برخی از تحلیلگران این دیدگاه ادعا می‌کنند که جنگ



\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

را می‌توان از میان برداشت و فرهنگ صلح را جایگزین آن کرد. اندیشه‌های کسانی مانند ویلسون و آنجل بر پایه‌ی دیدگاه لیبرال‌ها در مورد موجودات انسانی و جامعه‌ی انسانی است، این‌که انسان‌ها موجودات عقلانی هستند و با عقلانیت به این مهم می‌رسند که با ایجاد مجموعه‌ای از سازمان‌ها، همه می‌توانند از فرهنگ غنی صلح و آرامش و امنیت حاصل از آن در روابط بین‌الملل بهره‌مند شوند (تقی زاده، ۱۳۸۰: ۴۰).

### کارکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی

صلح مفروضه‌ی اصلی به وجود آمدن رشته‌ی روابط بین‌الملل بوده است. سازمان‌های بین‌المللی دو نوع سازمان کاملاً متفاوت را دربرمی‌گیرند؛ اولین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی دولتی که آن‌ها را دولت‌های ملی تشکیل می‌دهند و اداره می‌کنند. دومین نوع مربوط می‌شود به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که دولت‌های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره‌ی آن‌ها ندارد.

امروزه در جامعه‌ی بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلا‌ی قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۳۰). از مسایل و اهداف اصلی سازمان‌های بین‌المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته‌جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین‌المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت بین‌المللی گردید. پس از پایان جنگ سرد نیز جهان وارد یک دوره‌ی انتقالی گردید و این وضعیت، زمینه را برای نزدیکی بیشتر ملت‌ها در جهت حل بعضی معضلات فراهم کرد و در نتیجه سازمان‌های بین‌المللی تمام هدف خود را بر این مساله گذاشتند که با تشکیل کنفرانس به راه‌حلی برای رسیدن به صلح و همکاری‌هایی در صحنه جهانی دست پیدا کنند.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

### اصول ضروری برای تحقق صلح پایدار جهانی از دیدگاه کانت

اصل اول؛ هیچ پیمان صلحی که در آن به طور ضمنی دستاویزی برای جنگ در آینده حفظ شده باشد معتبر نیست.

اصل دوم؛ هیچ کشوری مستقل موجودی نباید از راه وراثت مبادله، خرید و فروش و... تحت مالکیت کشوری دیگر در آید.

اصل سوم؛ ارتش‌های ثابت به تدریج باید بر چیده شوند.

اصل چهارم؛ هیچ کشوری نباید خود را به واسطه امور برون مرزی همچون جنگ مقروض کند.

اصل پنجم؛ هیچ کشوری حق ندارد با تمسک به زور در تشکیل یا اداره کشوری دخالت کند.

اصل ششم؛ هیچ دولتی نباید به هنگام جنگ با کشوری دیگر به خود اجازه تمسک به آن قبیل اقدامات خصمانه‌ای را دهد که اعتماد دو سویه میان طرف‌های درگیر را برای صلح آینده ناممکن می‌سازد.

اصول قطعی صلح پایدار میان کشورها در بخش دوم طی سه فصل ارائه شده است:

اصل اول؛ ساختار مدنی همه کشورها می‌باید جمهوری باشد.

اصل دوم؛ قانون ملل می‌باید بر فدرالیسم کشورهای آزاد بنا شود.

اصل سوم؛ حق شهروندی جهان می‌باید پذیرش بیگانگان تلقی شود.

دو متمم این رساله حاوی استدلال‌هایی درباره رابطه طبیعت انسانی و آغازگری جنگ یا صلح‌طلبی او است. دو پیوست نیز، با تمایز گذاری بین سیاستمدار اخلاقی و اخلاق‌گرای سیاسی، بیانگر آن است که ملاحظات عملی با پنهان‌کاری و بهانه‌جویی، موجب رفتاری می‌شود که اختلاف و جنگ را به دنبال دارد (کانت<sup>۱</sup>، ۱۹۱۷).

### صلح پایدار جهانی در سایه اقتصاد

امروزه تمام روابط تجاری کشورها در زیر سایه صلح و امنیت پایدار ادامه خواهد یافت خواهد در صورتی که تنش در منطقه و یا در بین کشورها به وجود بیاد روابط تجاری دچار خسارت

---

۱. Kant

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵  
جبران‌ناپذیری می‌شود؛ و ممکن است که اقتصاد کشورها را متزلزل کند. تمام سرمایه‌گذاران در صورتی تمایل به سرمایه‌گذاری هستند که در کشور مقصد صلح و امنیت برقرار باشد. رونق اقتصادی در زیر سایه صلح و امنیت امکان‌پذیر است. برخی از کشورها که اقتصاد جهانی را در دست دارند در ایجاد صلح بسیار تأثیرگذار هستند (بیگ زاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

### صلح پایدار جهانی در سایه ارتباطات

سده‌های بیست و بیست و یک، شاهد مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اختراعات، تکمیل و توسعه ابزارهای نوین و شیوه‌های جدید و حتی به دور از تصور در عرصه ارتباطات و تکنولوژی ارتباطی به حساب می‌رود؛ از همین رو و به دلیل تحولات مثبت و یا احياناً منفی که به عنوان نتایج، ثمرات و پیامدهای آن در جهان شکل گرفت، عصر کنونی را به عصر ارتباطات و تکنولوژی مربوط به آن یاد می‌شود. در میان وسایل و ابزار ارتباطات، رسانه‌های ارتباط جمعی از قبیل سینما، تلویزیون، نشریات چاپی، رادیو، اینترنت و مخابرات از نقش بسیار زیادی در توسعه صلح در جوامع بشری ایفا می‌کنند. ارتباطات جهانی باعث تبادل نظرات و عقاید کشورها می‌شود؛ و این تبادلات باعث پایداری صلح می‌شود (سیفی، ۱۳۷۴: ۳۲).

### صلح پایدار جهانی در سایه همکاری

صلح پایدار و همکاری جهانی یکی از اهداف اساسی در صحنه بین‌المللی و حالت طبیعی و بدون جنگ است حالتی که در آن همزیستی مسالمت‌آمیز رواج دارد و جزء ارزشمندترین و اصولی‌ترین نیازهای بشری است. مراد از صلح، سازش، تسلیم یا استسلام نیست؛ بلکه منظور، وجود روابط عادی، طبیعی و آرام بین کشورهاست، بدون آنکه زمینه‌ای برای تهدید یا توسل به زور و برخورد مسلحانه فراهم آید. به عبارت دیگر، می‌توان آن را همزیستی مسالمت‌آمیز، شرافتمندانه و دوستانه تعریف کرد که بر اساس آن کشورها با پذیرش موجودیت یکدیگر و رعایت صمیمانه حقوق متقابل، به تعهدات و مسؤولیت‌های خود در قبال دیگر کشورها پایبند باشند. همکاری تمامی کشورها برای برقراری صلح لازم است (مقتدر، ۱۳۸۴: ۴۸).

### صلح پایدار جهانی در سایه عدالت

متفکران شیعی تحقق صلح عادلانه در عرصه داخلی و بین‌المللی را در تحقق عدالت جستجو می‌کنند. در این دیدگاه، حق بر صلح، حقی وضعی و عارضی بوده، نمی‌توان آن را ذاتی تلقی کرد؛ اما عدالت، امری ذاتی است. به همین دلیل، صلح پایدار و جهانی بر عدالت بنا می‌شود. واقعیت جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد تا زمانی که عدالت در سطح داخلی پیاده نشود و الگوهای آن در قالب یک فرهنگ ارزنده به سطح بین‌المللی انتقال نیابند، صلح پایدار آرمانی خام بیش نخواهد بود؛ بنابراین، در این حوزه سطح نگاه از فرد آغاز می‌شود و سپس به دولت می‌رسد و در نهایت، جامعه بین‌المللی را فرا می‌گیرد. اگر سازوکارهایی که یک دولت برای تحقق عدالت به آن‌ها توسل می‌جوید، ضمن توجه واقع‌گرایانه به سرشت دوگانه انسان، مبتنی بر قوانین برگرفته از عقل و فطرت آدمی باشند، سازوکارهای پایدار و کارآمدی خواهند بود؛ زیرا منشأ آن‌ها همان قواعد فطری باثباتی هستند که خداوند در سرشت همه قرار داده است. در نتیجه، ثبات منشأ منجر به دوام نتیجه خواهد شد و در نهایت، تالی مورد نظر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، ثبات خود را حفظ خواهد کرد و صلح عادلانه‌ای بلندمدت حاصل خواهد شد (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۸).

### نتیجه‌گیری

امروزه صلح از کهن‌ترین آرمان‌های بشر است. امروزه اولین و مهمترین هدف کشورها در روابط بین‌المللی، آرامش و برقراری صلح و امنیت است. امروزه اتفاقاتی همچون گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی، امنیت خاطر بشر را بر هم زده است. در صورتی که پنجاه سال پیش، چنین چیزی قابل تصور نبود. این بدان دلیل است که با گذر زمان، ساختار جوامع بشری پیچیده‌تر شده و وابستگی افراد بشر و جوامع مختلف به یکدیگر افزون‌تر شده است. مفاهیم صلح و امنیت بین‌المللی در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهمترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. از منظر این دیدگاه، دولت‌ها هم منشأ اصلی تهدید تلقی می‌شدند و هم مسئول برقراری امنیت. تأمین امنیت بین‌المللی نیز منوط به تأمین امنیت ملی است.

با پایان جنگ سرد و اتمام تعارضات دو بلوک شرق و غرب، دیدگاه شورای امنیت راجع به صلح و امنیت بین‌المللی متحول شده است. در دوره پس از جنگ سرد، موضوع حقوق بشر و

\_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵

بهبود آن در سطح بین‌المللی گسترش یافته است و این به نوبه خود سبب شده است که نقض حقوق بشر با امنیت بین‌المللی ربط داده شود. تغییرات عمده‌ای که در روابط بین‌المللی خصوصاً پس از پایان جنگ سرد رخ داده است احتمال مداخله با یا بدون مجوز شورای امنیت را افزایش داده است. دیگر صلح مساوی با عدم برخورد نظامی تلقی نمی‌شود بلکه فقر، گرسنگی، تبعیض، فقدان دموکراسی، حکومت ناکارآمد، نقض حقوق بشر، زمینه‌ساز تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. در این دیدگاه حتی مداخله در امور داخلی دولت‌ها نه تنها غیرقانونی نیست بلکه زمینه‌ساز صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در دوران پس از جنگ سرد چون جامعه بین‌المللی نقش بسیار فعالی در نظارت و مراقبت از رعایت حقوق بشر و اصول اساسی حقوق بین‌الملل را بر عهده گرفته و محور این‌گونه اقدامات در شورای امنیت، ساخته و پرداخته می‌شود در وضعیت‌هایی که در بردارنده نقض اساسی حقوق بشر است. ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین نقض اصل حق تعیین سرنوشت و نقض اساسی حقوق بشری شکل گرفته و حاکمیت ملی نه تنها مانع مداخلات مشروع و سازمان یافته بین‌المللی نیست بلکه چنین مداخلاتی به منزله برقراری حاکمیت ملی و اعمال حق تعیین سرنوشت تعبیر می‌شود. عملکرد و تجربه کاری سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم به خوبی نشان داده که با محدود شدن تدریجی صلاحیت‌های صرفاً ملی به نفع صلاحیت‌های بین‌المللی، برخی موارد خشونت در درون اجتماعات ملی و حتی علیه پاره‌ای از اقشار جمعیت یک کشور ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی شمرده شوند. در اینجا مطرح می‌شود که صلح بین‌المللی نه صرفاً ناظر بر صلح در روابط بین دولت‌ها بلکه متضمن وضعیت بهینه در روابط دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین در روابط بین انسان‌ها نیز هست.

## منابع:

### الف: منابع فارسی

- آقای، سید داوود (۱۳۸۲)، سازمان‌های بین‌المللی، چاپ اول تهران: پیک فرهنگ.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، دانشنامه سیاسی: فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: نشر مروارید.
- امینی‌نیا، عاطفه (۱۳۸۹)، حق بر صلح و عملکرد سازمان ملل متحد، مجمع جهانی صلح اسلامی، (دپارتمان دانشگاهی).
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی تهران: مجد.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، در تکاپوی صلح پایدار، مجله دانشگاه علوم انسانی رضوی، شماره ویژه.
- بیگزاده، ابراهیم و شهناز کلینی و منیژه یاقوتی (۱۳۸۱)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، جلد اول، انتشارات مجد، تهران.
- بیلیس، جان (۱۳۸۵)، امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه حسین محمدی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، نشر آرین.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۰)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: قومس.
- توانا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق بشر و مجموعه فعالیت‌های بین‌المللی، تهران: پارسه.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۶)، سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، جلد ۲ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- خرازی، کمال (۱۳۸۴)، تحولات مربوط به سیستم امنیت دسته‌جمعی در دوران بعد از جنگ سرد، شماره ۱۵، مجله تحقیقات حقوقی.
- ذوالعین، پرویز (۱۳۸۴)، حقوق دیپلماتیک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- روزانباری، مردم (۱۳۸۷)، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده راهبردی.
- زرشنان، شهرام (۱۳۸۶)، شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها در مقابله با تروریسم. شماره ۳۶، مجله حقوقی.

- \_\_\_\_\_ رویکرد جامعه بین‌المللی در ایجاد صلح و همکاری پایدار جهانی ۵
- ساعد، نادر (۱۳۸۹)، گفت‌مان صلح عادلانه، مبنا و معنا، مجمع جهانی صلح اسلامی، تهران.
  - ساعد، امیر (۱۳۸۳)، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌الملل، جلد اول، تهران: مجد.
  - سیفی، سید جمال (۱۳۷۴)، تحولات مفهوم حاکمیت دولت‌ها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها، شماره ۱۵، مجله تحقیقات حقوقی.
  - طلایی، فرهاد (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات جنگل، تهران.
  - طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب.
  - فلسفی، هدایت اله (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی معاهدات، تهران: فرهنگ نشر نو.
  - کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۵)، نقش زور در روابط بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگه، تهران.
  - کابزودو، آلیشیا (۱۳۹۱)، صلح عادلانه و آموزش صلح، مجمع جهانی صلح اسلامی (منتخب مقاله‌ها)، تهران.
  - مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران: پایدار.
  - مقتدر، هوشنگ (۱۳۸۴)، حقوق بین‌المللی عمومی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
  - موسی زاده، رضا (۱۳۸۹)، حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت، تهران: میزان.
  - مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.
  - منشی پور، محمود (۱۳۸۷)، تکوین حقوق بشر در عصر جهانی‌شدن، ترجمه مهدی ذاکریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
  - ولی، وهاب (۱۳۷۰)، جنگ و صلح، مجله فرهنگ، شماره ۱۴، تابستان.

### ب: منابع لاتین

- Allian, Jean, "The Legacy of Lockerbie, Judicial Review of Security Council Actions of the First Manifestation of Terrorism as a Threat to the Peace" Indiana Journal of International Law, Vol. ۴۴, ۲۰۰۴.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———

- Finnis, John. "National Law the Classical Tradition," in Jules Coleman and Scott Shapiro, ed. *The Oxford Handbook of Jurisprudence and Philosophy of Law* Oxford: Oxford, ۲۰۰۲.

- H.L.A Hart, *Concept of Law* Oxford: Oxford University Press, ۱۹۶۱.

- Kant, Immanuel, *Perpetual Peace: A Philosophical Essay*, translated with Introduction and Notes by M. Campbell Smith, with a Preface by L. Latta, London: George Allen and Unwin. ۱۹۱۷.

- M.Kelly, John. *A Short History of Western Legal Theory* Oxford: Clarendon Press ۱۹۹۲.

- Mark Tebbit, *Philosophy of Law: An Introduction*, London: Routledge, ۲۰۰۰.

- William Twining, *Globalization and Legal Theory*, London: Butterworths, ۲۰۰۰.

- Rawls John, *A Theory of Justice* Massachusetta: Belknap Press ۱۹۷۱.